# حذف ضمیر فاعلی در برخی زبان‌های ایرانی

محمد راسخ مهند

(استادیار دانشگاه بوعلی‌سینا)

**چکیده**

رفتار ضمایر فاعلی و مفعولی در زبان‌های مختلف متفاوت است و از این‌رو پارامتری به نام پارامتر ضمیر انداز زبان‌ها را در این مقوله از هم جدا می‌کند. فارسی نیز از زبان‌هایی است که اجازه حذف ضمیر فاعلی را دارند. در این مقاله ویژگی‌های زبان‌هایی که قابلیت حذف ضمیر فاعلی را دارند مرور می‌شود و سپس این پارامتر در گزیده‌ای از زبان‌های ایرانی شامل فارسی، گیلکی ، مازندرانی، لری، اورامی و سورانی بررسی می‌شود. در این بررسی از شش معیار رده شناسی استفاده شده است.

## 1 مقدمه

علم زبانشناسی به توصیف و تبیین ویژگی های گوناگون زبان های مختلف می‌پردازد. جستجو برای یافتن ویژگی های مشترک زبان‌ها از دیرباز برای زبانشناسان اهمیت داشته است. در قرن اخیر و با ظهور دیدگاه‌های چامسکی در زبانشناسی، علاقه برای یافتن ویژگی های زبان‌های مختلف فزونی یافت و به شیوه‌ای متفاوت از گذشته دنبال شد. در گذشته دو زبان را با هم مقایسه می‌کردند و وجود شباهت هایی در آواها و واژگان آن دو را تحلیل می کردند، و البته در همان حال به وجود تفاوت‌های بسیار نیز اشاره می کردند؛ اما در دیدگاه چامسکی وجود شباهت‌ها بین واژگان و آواها چندان مهم تلقی نمی شوند بلکه شباهت‌های ساختاری بین زبان‌های مختلف اساس بررسی‌های جدید را تشکیل می‌دهند. چامسکی و زبانشناسان بسیار دیگری که پیرو مکتب دستور زایشی [Generative Grammar] هستند در پیِ یافتن دستور همگانی [Universal Grammar] هستند. چامسکی برهه دوم در سیر دستور زایشی را مرحله نظریه اصول و پارامترها [Principles and Parameters theory] می‌نامد که بر طبق آن ادعا می‌شود دستور همگانی از تعدادی اصول تشکیل شده است که در تمام زبان‌ها ثابت و غیر قابل تغییراند و در عین حال پارامترهایی در دستور همگانی وجود دارد که از زبانی به زبان دیگر قابل تغییراند. زبان‌های مختلف می‌توانند از میان این پارامترها، پارامتری خاص را داشته باشند یا نداشته باشند. به عبارت دیگر هر زبانی در اصول با زبان های دیگر مشترک است و تفاوت زبان‌ها در انتخاب پارامترها است (چامسکی 1986،1991).

برای روشن شدن بحث اصول و پارامترها از هر کدام مثالی ذکر می شود. یکی از اصول ساختاری زبان وجود هسته در گروه‌های مختلف است. به این ترتیب که در تمام گروه‌های اسمی، فعلی، قیدی، صفتی و حرف اضافه‌ای بخشی از آنها هسته گروه است و بقیه عبارات وابسته هستند.

مثال های (1) و (2) وجود هسته در گروه‌های مختلف را در فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد. در هر عبارت زیر هسته گروه خط کشیده شده است.

1 ـ الف) یک انسان بزرگ (گروه اسمی )

ب ) بسیار زیبا (گروه صفتی )

ج )خیلی تند (گروه قیدی )

2 -a) a great man

b) very beautiful

c) very fast

همانگونه که مثال‌های فوق نشان می‌دهد وجود هسته در گروه‌های مختلف لازم است. در واقع هسته آن عنصر اصلی هر گروه است که حذف آن باعث نادستوری شدن گروه می‌گردد و بقیه عناصر به وجود هسته وابسته هستند . به عنوان مثال در (1) الف که "انسان" هسته گروه اسمی است نمی‌تواند حذف شود چون با حذف آن ساخت غلط "یک بزرگ" به دست می‌آید. پس می‌توان گفت یکی از اصول همگانی زبان‌ها داشتن هسته در گروه‌های مختلف است که در تمام زبان‌ها رعایت می‌شود.

حال که مثالی از اصول همگانی زبان‌ها زده شد، به ارائه نمونه‌ای از پارامترها پرداخته می‌شود. هر زبانی دارای جملات پرسشی است. در فارسی و انگلیسی نیز نمونه‌های مختلفی از جملات پرسشی دیده می‌شوند. یک نمونه از جملات پرسشی آنهایی هستند که دارای ضمیر یا صفت پرسشی (مانند چه، که، کی، کدام، چگونه و غیره) هستند. نحوه استفاده از این کلمات پرسشی در زبان‌های مختلف یک پارامتر است. به این ترتیب که اگر در انگلیسی کلمه پرسشی به کار رود باید در ابتدای جمله قرار گیرد( مثال‌های 3 )، در حالی که کلمات پرسشی در فارسی لازم نیست به ابتدای جمله آورده شوند و می‌توانند به جای عنصر مورد سوال به کار روند (مثال های 4). البته این نکته در فارسی مختص کلمات رسشی نیست و سازه‌های دیگر نیز می‌توانند جابه‌جا شوند, اما بحث مقاله حاضر به این موارد ارتباطی ندارد.

3. a) Jack has seen Mary in the park?

b) **Where** has Jack seen Mary?

c) **Whom** has Jack Seen in the park?

4- الف) علی مریم را در پارک دید.

ب) علی مریم را **کجا** دید؟

ج) علی **کی** را در پارک دید؟

پس حرکت کردن یا حرکت نکردن عبارات پرسشی در زبان‌های مختلف یک پارامتر است. زبانی که حرکت عبارت پرسشی را ضروری نمی‌داند زبان پرسشواژه در-جا [wh ـ in ـ situ] نامیده می‌شود؛ مانند فارسی، اما اگر در زبانی حرکت پرسشواژه اجباری باشد، زبان پرسشواژه در حرکت [non ـ in -situ ] نامیده می‌شود.

در این مقاله سعی شده به یکی از پارامترهای مطرح در دستور همگانی و نحوه برخورد چند زبان ایرانی با این پارامتر پرداخته شود. این پارامتر که به پارامتر ضمیرانداز [pro-drop parameter] معروف است، به امکان حذف ضمیر فاعلی و مفعولی در زبان‌های مختلف اشاره می‌کند (هگمن 1994). این پارامتر معین می‌کند که در برخی زبان‌ها ضمیر فاعلی (و ضمیر مفعولی ) می تواند حذف شود بدون اینکه جملهِ نادستوری به وجود آید. این قبیل زبان‌ها را زبان‌های ضمیر انداز می‌گویند. در بخش (2) به ویژگی های زبان‌های ضمیر انداز اشاره می‌شود.

## 2 حذف ضمیر فاعلی

برای درک تفاوت بین زبان ضمیرانداز و زبان غیرضمیرانداز مثال‌های (5) و (6) را از فارسی و انگلیسی با هم مقایسه می‌کنیم[1].

5 ـالف ) علی می‌گوید که x شیرینی را دوست دارد.

ب ) او بازی را باخت .

ج ) x بازی را باخت .

د ) x به نظر می‌رسد که علی ناراحت است .

6- a) * Jack says that x likes spaghetti.

b) He lost the game.

c) * x the game.

d) * x seems that Jack is unhappy

همان طور که مقایسه مثال‌های فوق نشان می‌دهد در برخی جملات فارسی ( 5 ـالف، ج و د)می‌توان ضمیر فاعلی را از جمله حذف‌کرد و ساختار باقی‌مانده کاملا دستوری است. در مثال‌های فارسی ضمایر فاعلی از ساخت‌های خود

---

[1] براي نشان دادن جايگاه تهي از علامت x و براي نشان دادن جمله غير دستوري از علامت * استفاده شده است.

ایستا [finite clause] یعنی ساخت‌هایی که دارای فعل زمان‌دار هستند حذف شده‌اند, در حالی‌که حذف ضمایر فاعلی از ساخت‌های خودایستای انگلیسی باعث نادستوری شدن جملات (6 ـ الف ، ج و د ) شده است. در آثار مربوط به دستور زایشی به جای علامت تهی که نشان دهنده حذف ضمیر است از اصطلاح ضمیر انتزاعی [pro] استفاده می‌کنند که در واقع همسان تهی یک ضمیر آشکار است. زبان‌هایی مانند فارسی که اجازه حضور ضمیر انتزاعی را در جایگاه فاعلی می‌دهند زبان‌های فاعل تهی [null subject] نامیده می شوند در حالی که زبان‌هایی مانند انگلیسی غیر فاعل تهی [non-null subject] هستند (هوانگ 1992، دبیر مقدم 1378). البته ذکر این نکته لازم است که در بندهای ناخود ایستا[non- finite] که در آنها فعل دارای زمان نیست، جملات انگلیسی هم بدون ضمیر فاعلی ظاهر می‌شوند که از آن تحت عنوان ضمیر انتزاعی بزرگ [PRO] نام برده می‌شود که با ضمیر انتزاعی در بندهای خود ایستا متفاوت است. مهمترین تفاوت آنها در این است که ضمیر انتزاعی بزرگ فقط در جملاتی که فعل آنها به صورت مصدری است و دارای زمان نیست ظاهر می‌شود ولی ضمیر انتزاعی حتماً در جملاتی می‌آید که فعل دارای شناسه است به این ترتیب زمان و شخص و شمار دارد. نمونه‌ای از کاربرد ضمیر انتزاعی بزرگ در جمله انگلیسی (7) دیده می‌شود.

7 . Jack wants **PRO** to go

در این مقاله شش معیار برای تعیین زبان‌های فاعل تهی انتخاب شده است (جگیلی و سفیر 198). این معیارها را که می‌توانند بین زبان‌هایی که قابلیت حذف ضمیر دارند و زبان‌هایی که این قابلیت را ندارند، تفاوت بگذارند در ادامه معرفی می‌کنیم. آن‌گاه در بخش (3) به نحوه رفتار زبان‌های منتخب ایرانی در مورد این معیارها اشاره می‌شود، که نشان می دهد آیا این معیارها در مورد این زبان‌ها نیز صدق می‌کنند یا خیر .

معیارهایی که زبان‌های ضمیرانداز را از زبان‌های غیرضمیرانداز جدا می‌کنند از این قرارند:

**الف** . اختیاری بودن استفاده از ضمیر فاعلی در جملات مختلف. در زبان‌هایی که ضمیر انداز هستند، می‌توان ضمیر محذوف را از جمله استنباط کرد. مگر اینکه اسم خاصی باشد که برای اولین بار در متن مطرح شده است.

**ب** . نبودن ضمایری برای نشان دادن فاعل تهی [expletive] ( مانند it و there در انگلیسی) در این زبان‌ها. در زبان‌های ضمیر انداز فاعل تهی وجود ندارد و بویژه جملاتی که به شرایط آب و هوایی اشاره می‌کنند، مانند بارش باران و برف، می‌توانند بدون فاعل تهی ذکر شوند.

**ج** . آمدن فعل در آخر جلمه. بر اساس بررسی‌های انجام شده در زبان‌های مختلف ، زبان‌های ضمیر انداز فعل دوم [verb second] هستند، یعنی در آرایش واژگانی بی‌نشان آنها فعل در جایگاهی پس از فاعل می‌آید.

د . داشتن مطابقه قوی فاعل و فعل ( یعنی شناسه). در زبان‌های ضمیرانداز وجود شناسه در فعل برای قابل استنباط بودن ضمیر فاعلی محذوف لازم است، هر چند اگر زبانی شناسه داشته باشد به این معنی نیست که ضمیر انداز است.

ه . امکان حضور ساخت ضمیر موصولی + اثر [that ـ trace] در این زبان‌ها. در زبان‌هایی مانند انگلیسی که ضمیرانداز نیستند، اگر سازه‌ای حرکت کرده‌باشد و اثری از خود به جاگذاشته باشد، آن اثر نمی‌تواند بلافاصله بعد از ضمیرِ موصولی that باشد، و در این صورت جمله غیر دستوری خواهد بود؛ مانند جمله 8 . اما در زبان‌های ضمیرانداز این ساخت به نادستوری شدن جمله منتهی نمی‌شود.

8. *Which book did you say that (t) is interesting?

و . امکان جابجایی بین فعل و فاعل [inversion]. در زبان‌های غیرضمیرانداز نمی‌توان جایگاه فعل و فاعل را جابجا کرد ( البته به صورت محدود و در ساخت‌هایی بسیار خاص در انگلیسی این عمل مشاهده می‌شود). و انجام آن باعث نادستوری شدن جمله می‌شود؛ مانند (9). اما در زبان‌های ضمیر انداز امکان این جایجایی وجود دارد.

9. * Saw I Mary

## 3 . روش تحقیق

در مطالعه حاضر شش زبان از خانواده زبان‌های ایرانی انتخاب‌شده‌اند که عبارتند از : فارسی، لری، گیلکی، مازندرانی، سورانی و اورامی. انتخاب این زبان‌ها بر اساس این فرض که همه از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی هستند انتخاب شده‌اند. رضائی‌باغ‌بیدی (1380ص6) سورانی را از گویش‌های کردی مرکزی و اورامی را از طبقه گویش‌های زازا و گورانی می‌داند. از گویشوران این زبان‌ها خواسته شد که درباره رفتار زبان مادری خود در رابطه با معیارهای شش‌گانه مذکور اطلاعاتی را از طریق مصاحبه در اختیار نگارنده قرار دهند. گویشوران دارای اطلاعات زبانشناختی نبودند. در مواردی که اطلاعات یک گویشور با شک و تردید همراه بود، از بیش از یک گویشور مصاحبه به عمل آمد. داده‌های حاصل از این زبان‌ها را با زبانی غیرضمیرانداز (انگلیسی) و زبان ضمیرانداز از خانواده زبان‌های غیر ایرانی (ترکی) مقایسه کرده‌ایم تا درستی انتخاب معیارهای شش گانه مشخص گردد. نتایج بررسی‌ها در بخش 4 آورده شده است.

علاوه بر پرسش‌های مربوط به معیارهای مذکور، دو پارامتر دیگر نیز در مورد این زبان‌ها بررسی شده است و ارتباط آنها با پارامتر ضمیر انداز تعیین شده است. این دو پارامتر وجود قلب نحوی [Scrambling] و ضمایر متصل مفعولی در این زبان‌ها بوده است.

## 4 نتایج

در جدول (10) رفتار شش زبان از خانواده زبان‌های ایرانی به همراه ترکی به عنوان زبانی ضمیر انداز از خانواده‌ای غیر از خانواده زبان‌های ایرانی به طور کامل ارائه شده است. این جدول امکان می‌دهد که این زبان‌ها را با توجه به ویژگی‌های ذکر شده با یکدیگر مقایسه کنیم.

| زبان | فاعل اختیاری | فاعل تهی | آرایش واژگان | مطابقه | ضمیرموصولی + اثر | جابجایی فاعل و فعل | هماهنگی با پارامتر ضمیرانداز |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فارسی | + | - | SOV | + | + | + | + |
| سورانی | + | - | SOV | + | + | + | + |
| اورامی | + | - | SOV | + | - | +/- | _/+ |
| گیلکی | + | - | SOV | + | + | -/؟ | -/+ |
| مازندرانی | + | - | SOV | + | + | +/؟ | -/+ |
| لری | + | - | SOV | + | + /؟ | + | + |
| ترکی | + | - | SOV | + | + | + | + |
| انگلیسی | - | + | SVO | - | - | - | - |

جدول 10 ـ مقایسه پارامتر ضمیر انداز در هشت زبان

همانطور که از جدول بالا بر می‌آید، زبانهای منتخب همگی در داشتن فاعل اختیاری مشترک هستند و وقتی فاعل به صورت ضمیر است می‌توانند آن را حذف کنند. البته باید خاطر نشان کرد که اکثر گویشوران جمله‌ای را که در آن ضمیر فاعلی محذوف باشد بی نشان‌تر تلقی می‌کردند و اذعان داشتند اگر ضمیر فاعلی ذکر شود به معنی تاکید بر آن ضمیر است. ویژگی دیگری که این زبانها در آن مشترک هستند، نداشتن فاعل تهی است. همه این زبانها برای گفتن جلمه‌ای درباره بارش باران یا برف، می توانند فقط از فعل باریدن استفاده کنند و یا خود کلمه برف یا باران را به عنوان فاعل ذکرکنند. در هیچ‌یک از این زبانها فاعلی تهی مانند it یا there انگلیسی یافت نشد. ( در مورد مثالهای مختلف از زبانهای منتخب به بخش ضمیمه مقاله رجوع کنید.) نقطه اشتراک دیگرِ زبانهای ایرانی این است که دارای

آرایش واژگانی فاعل + مفعول + فعل هستند. در واقع فعل آخر بودن یکی از ویژگی‌های زبانهایی است که ضمیرانداز هستند. پارامتر دیگری که در زبانهای ضمیر انداز مشترک است, داشتن مطابقه قوی بین فاعل و فعل است. البته این به این معنی نیست که هر زبانی که دارای نظام تصریفی قوی باشد, ضمیر انداز است. اما عکس قضیه صادق است, یعنی اگر زبانی ضمیر انداز باشد باید دارای نظام تصریفی قوی باشد.

زبانهایی ایرانی در مواجهه با سه عامل دیگر که به عنوان ویژگی زبانهای ضمیرانداز ذکر شده‌است, با همدیگر اختلاف دارند. اولین ویژگی امکان جابجایی فاعل و فعل است. همانطور که مشاهده می‌شود زبانهای ایرانی در این مورد رفتار یکسانی از خود بروز نمی‌دهند. در فارسی, سورانی, و لری جابجایی فاعل و فعل امکان پذیر است, هر چند در این زبانها نیز تاکید جملات تغییر می‌یابد. اما در گیلکی و مازندرانی و اورامی امکان جابجایی فاعل و فعل بسیار اندک است. تقریباً همگی گویشوران این ساخت‌ها را نادر می‌دانستند. پس می‌توان گفت که زبانهای ایرانی در مورد این خصیصه رفتار یکسانی ندارند و شاید بتوان که امکان جابجایی فاعل و مفعول را نباید در زمره ویژگیهای صددرصد مشترک زبانهای ضمیرانداز آورد. عامل دیگر بحث ضمیر موصولی + اثر است که در آن مورد نیز گویشوران اتفاقِ نظر نداشتند و در بسیاری از موارد جمله را وقتی صحیح می‌دانستند که در صورت وجود اثر بعد از ضمیر موصولی, خود ضمیر موصولی نیز حذف گردد.

نتایج حاصله نشان می‌دهد که میزان هماهنگی زبانهای ایرانی با عوامل تعیین‌کننده پارامتر ضمیرانداز متفاوت است. از میان زبانهای منتخب می‌توان فارسی. سورانی و لری را در زمره زبانهایی دانست که با ویژگیهای زبانهای ضمیرانداز هماهنگی دارند. اما گیلکی, مازندرانی و اورامی از زبانهایی هستند که بطور کامل با ویژگیهای زبانهای ضمیرانداز هم‌خوانی ندارند.

علاوه بر ویژگیهای فوق در مورد زبانهای ایرانی , نگارنده دو ویژگی دیگر را نیز در این زبانها بررسی‌کرده‌است, که می‌توانند با پارامتر ضمیراندازی در ارتباط باشند. این دو ویژگی وجود امکان انجام قلب نحوی [scrambling] و وجود ضمایرِ مفعولی پی بستی [enclitics] در این زبانهاست. جدول 11 نحوه تعامل این دو پارامتر را در زبانهای منتخب نشان می دهد.

| پارامتر | فارسی | گیلکی | لری | مازندرانی | اورامی | سورانی | ترکی | انگلیسی |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| قلب نحوی | + | + | + | + | + | + | + | - |
| ضمیر پی بستی | + | - | + | - | - | + | - | - |

جدول 11- وجود قلب نحوی و ضمیر پی‌بستی در زبانهای منتخب

همانطور که در جدول 11 مشخص است در اکثر زبانهایی که ضمیرانداز هستند امکان انجام قلب نحوی وجود دارد. قلبِ نحوی جابه‌جا کردن سازه‌های جمله بدون تغییر در نقش آنهاست که معمولاً معنای تحلیلی جمله را تغییر نمی‌دهد. انگلیسی که زبانی غیر ضمیر انداز است دارای قلبِ نحوی نیست. اما در ترکی و زبانهای منتخب ایرانی امکان انجام قلبِ نحوی وجود دارد. در واقع باید گفت داشتن نظام تصریفی قوی, ضمیرانداز بودن و داشتن قلبِ نحوی در زبانهای مختلف به همدیگر مربوط هستند. اگر زبانی دارای نظام تصریفیِ قوی نباشد, ضمیرانداز نخواهد بود و امکان انجام قلبِ نحوی نیز در آن وجود ندارد. پس داشتن نظام تصریفی قوی شرط لازم برای ضمیرانداز بودن و داشتن قلبِ نحوی است؛ هر چند شرط کافی نیست . زبانهایی وجود دارند که با وجود داشتن نظام تصریفی, ضمیرانداز نیستند و قلب نحوی نیز در آنها وجود ندارد. به نظر می رسد اگر به جای ویژگی امکان جابه‌جایی فاعل و فعل در زبانهای ضمیر انداز, به امکان اجرای قلب نحوی توجه شود نتیجه هماهنگ‌تری حاصل می شود, زیرا حداقل در مورد زبانهای ایرانی منتخب , امکان انجام قلب نحوی بصورت هماهنگ وجود دارد. برای حصول نتیجه قطعی تر, مطالعه زبانهای بیشتر می تواند موثر باشد.

این زبانها در مورد داشتن پی بست ضمیری با یکدیگر تفاوت دارند. در گیلکی و مازندارنی و اورامی مانند ترکی, پی‌بست ضمیری وجود ندارد و ضمیر متصل به جای آن ذکر می‌شود. اما در فارسی, لری و سورانی پی‌بست ضمیری می‌تواند به جای ضمیر متصل به کاررود . این ویژگی نشان می‌دهد که قابلیت حذف شدن ضمیر فاعلی در زبانهای مختلف ارتباطی به حذف ضمیر مفعولی ندارد. حذف ضمیر مفعولی نیازمند داشتن پی بست ضمیری است که جای آن را بگیرد. در واقع اگر زبانی ضمیرانداز فاعلی باشد لزوماً ضمیر انداز مفعولی نیست, هر چند عکس آن ممکن است صادق باشد. یعنی اگر زبانی بتواند ضمیر مفعولی را حذف‌کند و به جای آن از پی بست ضمیری استفاده کند, این زبان ضمیر انداز فاعلی نیز هست.

## 5 جمع بندی

امروزه بررسی‌های رده‌شناختی نشان می‌دهد که وجود پارامتری خاص در زبانهای مختلف, فقط به منزله داشتن یک ویژگی نیست, بلکه به معنای داشتن چندین حصر هماهنگ می‌باشد. این نکته در طبقه‌بندی زبانها و البته اکتساب آنها به عنوان زبان مادری بسیار مفید است. پارامتر ضمیرانداز نیز از این قاعده مستثنی نیست. وقتی زبانی ضمیرانداز است , دارای چندین ویژگی است که با همدیگر در ارتباط هستند . بررسی این پارامترها در زبانهای منتخب ایرانی نشان می‌دهد که این ویژگی‌ها در همه موارد هماهنگ نیستند و در برخی موارد زبانی خاص با تمام ویژگی‌های حذف ضمیر هم‌خوانی ندارد.

**فهرست منابع**


Chomsky, N.(1981)*Lectures on Government and Binding Theory*. Dordrecht: Foris.

Chomsky, N.(1986)*Knowledge of Language; its nature, origin and use*. New York; Praeger.

Chomsky, N.(991) "Some notes on the economy of derivations and representations", in: *Principles and Parameters in Comparative Grammer*. R. Fridin (ed.), Cambridge, Mass: MIT Press.

Haegeman, l. (1994) *An Introduction to Government and Binding Theory.* 2nd edition. Oxford, UK: Basil Blackwell.

Huang, C.(1991) "Remarks on the status of the null object", In: *Principles and Parameters in Comparative Grammar*. R. Fridin (ed.),Cambridge, Mass: MIT Press.

Huang, C. (1992) "On null subjects and null objects in generative grammar", *Linguistics*,33:1081-1123.

Jaggeli, O. & K. Safir (1989) *The null subject parameter.* Dordrecht: Kluwer.

Jelinek, E. (1984) "Empty categories, case and configurationality", *Natural Language and Linguistic Theory*, 2, 39-76.

Liceras, J. (1988) " Syntax and stylistics: more on the pro-drop parameter", in J. Pankhurst and M. Sharwood -Smith (eds.) *Learnability and second language.* PP: 71-93. Dordrecht: Foris.

Lightfoot, D. (1991) *How to set parameters: arguments from language change.* Cambridge, MA: MIT Press.

جهان‌پناه‌تهرانی, سیمین‌دخت (1380) " ضمیر متصل" -ش "و" داشتن: دو گرایش تازه در زبان فارسی گفتاریِ امروز تهران". *مجله زبانشناسی*, سال 16, شماره اول, صص 19-42.

دبیر مقدم , محمد (1378) *زبانشناسی نظری, پیدایش و تکوین دستور زایشی* . تهران: سخن.

رضائی باغ بیدی, حسن (1380) معرفی *زبان ها و گویش های ایرانی* . تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ضمیمه

مثالها

مثالهای زیر را از زبانهای منتخب ایرانی مورد بررسی بر حسب شش معیار رده شناختی مذکور در مقاله مرتب شده‌اند. در همه موارد مثالها به ترتیب ذیل آمده است: 1) فارسی 2 ) مازندرانی 3) سورانی. 4) اورامی 5) گیلکی 6) لری.

1 ) فاعل اختیاری

1. *pro* Maryam – ra did – am
2. *pro* Maryam – e badime
3. *pro* Maryam – em bini .
4. *pro* Maryamim di.
5. *pro* Maryama bedim
6. *pro* Maryam – o didom

2 ) نبودن ضمایر برای فاعل تهی

1. baran mi – barad / mi – barad.
2. hera vaine/vaine
3. baran avare/avare.
4. varan varu/ varu.
5. baran vare.
6. barun ibare.

3 ) جابجایی فاعل - فعل

1. Maryam –ro didam man.
2. */? badime me Maryame.
3. Maryammem bini men.
4. No verb – subject inversion.
5. No verb – subject inversion.
6. Limited verb – subject inversion.

4 ) ضمیر موصولی + اثر

1. ki fekr mikoni ke x Maryam ra dide?
2. ki feker keni (ke) x Maryame bezad?
3. ki votet ke x Maryame di?
4. That – trace structure is not possible.

5. ki begoft ke  x  Maryame bide?
6. kin a gofti  x  qaza re xerde?